

# مبانی رهبری در اسلام

حجة الاسلام والمسلمین محمّدی ری شهری

نورشان به هر کس مشیتش تعلق گرفته باشد، برسد که در این صورت دلهای آنان تاریک می گردد...!

از نظر این روایت امام در موقعیت ولایت تکوینی، خورشیدی است که فروزاتر از نورشید حتی در باطن نامحسوس جهان نورفشانی می کند و به ملکوت آسمانها و زمین نور می دهد و به ضمیر انسانهای با ایمان روشنایی می بخشد و مؤمنان راستین در پرتو این نور نه تنها راه رسیدن به مقصد اعلای انسانیت را می بینند بلکه به این مقصد اصل می گردند.

به عبارت دیگر همانطور که خورشید حتی علاوه بر ارائه طریق تکامل مادی، تکویناً در تکامل مادی انسان مؤثر است، همچنین خورشید معنوی امام علاوه بر ارائه طریق تکامل معنوی در تکامل معنوی انسان تکویناً تأثیر دارد.

علامه طباطبائی رضوان الله تعالی علیه پس از تعریف ولایت تکوینی به شرحی که در مقاله ششم گذشت درباره نقش تکوینی امام در هدایت انسان چنین می فرماید:

کسی که حامل درجات قرب و امیر قافله اهل ولایت بوده و رابطه انسانیت را با این واقعیت حفظ می کند در لسان قرآن «امام» نامیده می شود. «امام» یعنی کسی که از جانب حق سبحانه برای پیشروی صراط ولایت اختیار شده و زمام هدایت معنوی را در دست گرفته. ولایت که به قلوب بندگان می تابد، اشعه و خطوط نوره هستند از کانون نوری که پیش اوست و موهبتهای متفرقه، جویهای هستند متصل به دریای بیکرانی که نزد وی می باشد.<sup>۱</sup>

امام آن شخص هادی است که از نظر جنبه ملکوتی موجودات آنها را رهبری می کند و مقام «امامت» یک نوع ولایت بر اعمال مردم است از نظر باطن که توأم با هدایت می باشد، و هدایت در اینجا به معنای رساندن به مقصد است نه تنها راهنمایی و ارائه طریق که کارپسغبران و

در مقالات گذشته، فلسفه مطلق رهبری، ولایت فقیه و رهبری معصوم مورد بررسی قرار گرفت و نیز در رابطه با تبیین فلسفه ولایت تکوینی و رهبری باطنی انسان کامل، در مقاله گذشته تعریف ولایت تکوینی و مراتب آن از نظر خوانندگان گرامی گذشت و اینک شرح احادیثی که نیاز انسان را در وصول به مقصد اعلای انسانیت، به رهبری باطنی مطرح نموده است:

## رهبری باطنی امام

بررسی دقیق قرآن و روایات اسلامی در زمینه امامت و رهبری، نشان می دهد که نقش انسان کامل یا امام در هدایت سایر انسانها فراتر از ارائه طریق و نشان دادن راه است، او علاوه بر این، افراد مستعد را در طی کردن راه و رسیدن به مطلوب واقعی خود که وصول به کمال مطلق است یاری می کند.

به عبارت دیگر: نقش امام در تکامل انسان تنها نشان دادن راه تکامل نیست بلکه ارواح افراد مستعد تکویناً در پرتو اتوار باطنی او پرورش می یابند و راه به سوی کمال مطلق را طی می کنند.

در کتاب اصول کافی بابی منعقد شده تحت عنوان اینکه «امامان نور خداوند متعال هستند»<sup>۱</sup> در این باب شش روایت آمده که کلمه «نور» را در آیات متعددی به امام تفسیر کرده اند.

در روایت اول ابو خالد کابلی گوید: از امام باقر علیه السلام خواستم که این آیه کریمه را برایم توضیح دهد:

«فَأَنبَأَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ وَالنُّورَ الَّذِي أَنْزَلْنَا».

ایمان بیاورید به خدا و رسولش و نوری که فرو فرستادیم.

امام در پاسخ فرمود: به خدا سوگند که آن نور، نور امامان از خاندان محمّد صلی الله علیه و آله است که تا روز قیامت ادامه خواهد داشت. بخدا آنها نوری هستند که خدا نازل فرمود، بخدا آنها نور خدا در آسمانها و زمین اند، بخدا نور امام در دلهای مؤمنان روشن تر از خورشید روشنتر در روز است، بخدا آنها دلهای مؤمنان را متور می کنند و خداوند مانع می شود

رسولان بلکه عموم مؤمنانی است که از راه موعظه و نصیحت مردم را به سوی خدا دعوت می کنند.<sup>۱</sup> در رابطه با اثبات این مدعا، در کتاب «شیعه در اسلام»<sup>۲</sup> در فصل ششم از بخش مربوط به امام شناسی تحت عنوان «امامت در باطن اعمال» چنین آمده:

«امام چنانکه نسبت به ظاهر اعمال مردم، پیشوا و رهنما است، همچنان در باطن نیز سمت پیشوایی و رهبری دارد و اوست قافله سالار کاروان انسانیت که از راه باطن به سوی خدا سیر می کند.

برای روشن شدن این حقیقت به دو مقدمه زیرین باید عطف توجه نمود:

**اول:** جای تردید نیست که به نظر اسلام و سایر ادیان آسمانی یگانه وسیله سعادت و شقاوت (خوشبختی و بدبختی) واقعی و ابدی انسان، همانا اعمال نیک و بد اوست که دین آسمانی تعلیمش می کند و هم از راه فطرت و نهاد خدادادی نیکی و بدی آنها را درک می نماید...

و جای شک و تردید نیست که خدای آفرینش که از هر جهت بالاتر از تصور ما است. مانند ما تفکر اجتماعی ندارد و این سازمان قراردادی آقائی و بندگی و فرمانروایی و فرمانبری و امر و نهی و مزد و پاداش در بیرون از زندگی اجتماعی ما وجود ندارد. و دستگاه خدایی همانا دستگاه آفرینش است که در آن هستی و پیدایش هر چیز به آفرینش خدا طبق روابط واقعی بستگی دارد و بس...

از این بیان باید نتیجه گرفت که میان اعمال نیک و بد و میان آنچه در جهان ابدیت از زندگی و خصوصیات زندگی هست، رابطه واقعی برقرار است که خوشی و ناخوشی زندگی آینده به خواست خدا مولود آن است.

و به عبارت ساده تر در هر یک از اعمال نیک و بد، در درون انسان واقعییتی بوجود می آید که چگونگی زندگی آینده او مرهون آن است...

خلاصه انسان در باطن این حیات ظاهری، حیات دیگر باطنی «حیات معنوی» دارد که از اعمال وی سرچشمه می گیرد و رشد می کند و خوشبختی و بدبختی وی در زندگی آن سرا، بستگی کامل به آن دارد...

**دوم:** اینکه بسیار اتفاق می افتد که یکی از ما کسی را به امری نیک یابد راهنمایی کند در حالی که خودش به گفته خود عامل نباشد ولی هرگز در پیغمبران و امامان که هدایت و رهبریشان به امر خدا است این حال تحقق پیدا

نمی کند. ایشان به دینی که هدایت می کنند و رهبری را به عهده گرفته اند، خودشان نیز عاملند و به سوی معنوی که مردم را سوق می دهند، خودشان نیز دارای حیات معنوی می باشند، زیرا خدا تا کسی را خود هدایت نکند هدایت دیگران را به دستش نمی سپارد و هدایت خاص خدایی تخلف بردار نیست.

از این بحث می توان نتایج زیر را بدست آورد:

۱- در هر اقلیتی، پیغمبر و امام آن اقلیت در کمال حیات معنوی دینی که به سوی آن دعوت و هدایت می کند، مقام اول را حائز می باشند زیرا چنانکه شاید و بایست دعوت خودشان عامل بوده و حیات معنوی آن را واجدند.

۲- چون اولند و پیشرو و راهبر همه هستند، از همه افضلند.

۳- کسی که رهبری اقلیتی را به امر خدا به عهده دهد چنانکه در مرحله اعمال ظاهری رهبر و راهنما است مرحله حیات معنوی نیز رهبر و حقایق اعمال با رهبری سیر می کنند.

از اینگونه آیات استفاده می شود که: امام علاوه بر ارشاد هدایت ظاهری، دارای یک نوع هدایت و جذب معنوی است که از سنخ عالم امر و تجرد می باشد و به وسعت حقیقت و نورانیت و باطن ذاتش، در قلوب شایسته اثر و تأثیر و تصرف می نماید و آنها را به سوی مرتبه کمال غایت ایجاد جذب می کند. دقت شود.<sup>۷</sup>

اکنون در صدد شرح و بررسی تفصیلی مطالب استاد هستیم. نکته می توان گفت آنچه در کلام ایشان آمده، جمع بندی آیات و روایاتی است که نقش امام در هدایت باطنی انسان از آنها استنباط می گردد و خلاصه کلام در این زمینه اینکه: ولایت و هدایت باطنی و نورانی که در اثر انجام تکالیف الهی برای انسان حاصل می شود، از طریق امام به او افاضه می گردد و در یک جمله: امام واسطه فیض ولایت است. و بهمین دلیل بدون اعتقاد و ارتباط با او تحقق ولایت معنوی برای انسان امکان پذیر نیست و این همان واقعییتی است که در روایات اسلامی با این عنوان که بدون ولایت هیچ عملی پذیرفته نیست قاطعانه مورد تأکید قرار گرفته است.<sup>۸</sup> برای نمونه یکی از آن روایات را در اینجا ذکر می کنیم.

«والذی بعثنی بالحق نبیا لو ان رجلا لقی الله بعمل سبعین نبیا ثم لم یأت بولایة الأمر من اهل البیت ما قبل الله منه صرفا ولا عدلا»<sup>۹</sup>

قسم به خدایی که مرا بحق به نبوت مبعوث نموده اگر کسی خدا را ملاقات کند در حالی که اعمال صالحه هفتاد پیامبر را در پیروند و اعمالش نیک باشد داشته باشد ولی ولایت خاندان رسالت را همراه

نداشته باشد، خداوند هیچ عمل واجب و مستحبی را از او نمی پذیرد.

### ارائۀ اعمال امت به امام

با ملاحظۀ آنچه درباره ولایت امام بر اعمال امت بیان شد، تا اندازه ای می توان رازارائه چهره ملکوتی اعمال امت به امام را آن طور که در متون اسلامی آمده، گوشود، در سوره توبه آیه ۱۰۵ می خوانیم:

«وَقُلْ أَعْمَلُوا لِقَابِ رَبِّكُمُ الْمَسْئُومِينَ»

بگو عمل کنید که خداوند و فرستاده او و مؤمنان اعمال شما را می بینند.

در حدیث است که رسول گرامی اسلام فرمود:

اعمال شما هر روز بر من عرضه می شود، وقتی کارهای نیک شما را می بینم از خدا برای شما طلب افزایش می کنم و وقتی کارهای بد شما را می بینم برای شما از خدا آمرزش می خواهم.<sup>۱۱</sup>

بررسی احادیثی که در این رابطه وارد شده است نشان می دهد که ارائۀ اعمال امت پیامبر اسلام به او به دلیل موقعیت نبوت او نیست بلکه به دلیل موقعیت امامت اوست و لذا این برنامه برای همه امامان و پیشوایان معصوم بعد از او نیز اجراء می گردد. امام صادق علیه السلام در تفسیر کلمه «المؤمنون» در آیه ۱۰۵ توبه که گذشت می فرماید: «إِنَّمَا عَنِ» یعنی مقصود از مؤمنانی که در کنار خدا و پیغمبر او، ناظر اعمال امت هستند، ما هستیم.

به عبارت دیگر نظارت بر اعمال امت از شئون رهبری باطنی پیشوایان خاص الهی است، این شأن در عصر رسول گرامی اسلام مخصوص او بود و پس از او اختصاص به امیرالمؤمنین علیه السلام و همچنین امامان بعد از اوست و در حال حاضر پرورنده اعمال ما و همه مردم جهان بر پیشگاه مقدس ولی عصر ارواحنا له الفداء ارائه می گردد. و اینک یک نمونه عینی:

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام بنام داود رقی می گوید: من پس عمویی داشتم معاند و خبیث، شنیدم او و خانواده اش در تنگدستی، به سر می برند، عازم حج بودم، قبل از حرکت حواله مبلغی پول برای او دادم، وقتی به مدینه رسیدم خدمت امام رفتم، امام بدون مقدمه فرمود: اعمال شما روز پنجشنبه بر من عرضه شد، در کارهای تو صیلة تو را نسبت به سر عمویت فلاحی ملاحظه کردم، این عمل موجب خرسندی من گردید، چون میدانم صیلة تو برای او موجب تباہ شدن عمر و فرا رسیدن مرگ او می شود.<sup>۱۲</sup> نمونه ای دیگر:

عبدالله بن ابان گوید: خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم و به آن حضرت عرض کردم عذای از دوستان شما از من خواسته اند از شما تقاضا کنم که برای آنها دعا کنید؟ امام فرمود:

«وَاللَّهِ إِنِّي لَا أَعْرِضُ أَعْمَالَهُمْ عَلَى اللَّهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ.»

به خدا قسم من هر روز اعمال آنها را به خداوند عرضه می کنم.

این روایت علاوه بر دلالت بر نظارت امام نسبت به اعمال امت، وساطت او در فیوضاتی که از ناحیه خداوند متعال برای عامل در نتیجه عمل حاصل می شود را نیز اثبات می نماید و رهبری باطنی امام نسبت به اعمال در این کلام خیلی روشن دیده می شود.

### امام و نظام زمین

از نظر روایات اسلامی محدوده ولایت تکوینی انسان کامل در رهبری باطنی اعمال انسان خلاصه نمیشود بلکه بقاء نظام طبیعی زمین مرهون وجود عنصری انسان کامل است به گونه ای که اگر لحظه ای وجود انسان کامل از زمین گرفته شود نظم طبیعی آن بهم می خورد، امام باقر علیه السلام در این زمینه چنین می فرماید:

«جَعَلَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا.»<sup>۱۳</sup>

خداوند عزوجل امامان را ستونهای زمین قرار داد تا نظم و آرامش خود را حفظ کند و موجب اضطراب اهل خود نگردد.

«لَوْ أَنَّ الْأَمَامَ رَفَعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَمَاجَتِ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ.»<sup>۱۴</sup>

اگر امام ساعتی از زمین برداشته شود هر آنچه از شدت لرزش با اهل خود موج برمی دارد همانطور که دریا با اهتش موج می زند

از حسن بن علی الوشاء روایت شده که گوید، از امام رضا علیه السلام پرسیدم: آیا زمین بدون امام بجا میماند؟ فرمود: نه گفتم: به ما روایت رسیده که زمین بی امام بجا نماند مگر اینکه خدای بر بندگان خشم کند، فرمود: زمین بدون امام باقی نمی ماند و در این صورت فرو می ریزد.<sup>۱۵</sup>

### امام و نظام جهان

روایات متعددی نقش ولایت تکوینی امام را فراتر از نقش در رهبری باطنی اعمال انسان و تأثیر او در برقراری نظم طبیعی زمین می دانند و تصریح می نمایند که نظام جهان ماده، مرهون وجود مادی امام و زندگی او در زمین است، در زیارت جامعه کبیره خطاب به امامان معصوم علیهم السلام می خوانیم:

«بِكُمْ يَنْزَلُ الْغَيْثُ وَيَكْمُ يَسْكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ.»

خداوند به وسیله شما باران را نازل می کند و به وسیله شما کرات آسمانی را نگه می دارد که با زمین برخورد نکنند.

هشام بن سالم می گوید که از امام صادق علیه السلام شنیدم که می گوید: خداوند عزوجل فرمود:

«... لَوْلَمْ يَكُنْ مِنْ خَلْقِي فِي الْأَرْضِ فِيمَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِلَّا مَوْضِعٌ وَاحِدٌ مَعَ إِمَامٍ عَادِلٍ لَأَسْتَنْبَتِ بَعَادَتُهُمَا عَنْ جَمِيعِ مَا خَلَقْتُ فِي أَرْضِي وَلِقَامَتِ سَبْعُ سَمَاوَاتٍ وَأَرْضِينَ»

بقره در صفحه ۵۰

واشنگتن دعوت کرد.

■ در جریان برگزاری انتخابات مجلس مصر، دهها تن کشته و مجروح شدند.

■ بزرگترین پالایشگاه نفت جهان در عربستان دچار آتش سوزی شد.

(۶۹/۹/۱۰)  
■ آمریکا طرح قطعنامه محکومیت جدایات رژیم صهیونیستی بخاطر سرکوب مردم مسلمان فلسطینی و بررسی وضعیت ساکنان سرزمینهای اشغالی را وتو کرد.  
■ مواد غذایی در لنینگراد جیره بندی شد.

■ بدنبال نفوذ شورشیان به پایتخت چاد، «حسن هابرو» رئیس جمهور این کشور به اتفاق خانواده اش فرار کرد.

(۶۹/۹/۱۱)  
■ صدام از آمریکا خواست تا «فروردین دست به عملیات نظامی نزند».

■ هلموت کهل بعنوان صدراعظم آلمان متحد انتخاب شد.

■ افسران ملی گرا در آرژانتین دست به شورش زدند. این شورش با کشته و مجروح شدن ۳۱۱ نفر سرکوب شد.

### بقیه از مبانی رهبری در اسلام

بها».

اگر در همه زمین فردی با ایمان یافت نشود جز یک نفر با امامی عادل، نیازی به عبادت دیگری نیست و هر آینه نظام آسمانها و زمین های هنگامه برقرار خواهد بود. ادامه دارد

- ۱- اصول الکافی جلد ۱ صفحه ۱۹۴ باب «ان الائمة عليهم السلام نور الله عزوجل».
- ۲- اصول الکافی جلد ۱ صفحه ۱۹۴ حدیث ۱. ۳- خلافت و ولایت صفحه ۳۸۰.
- ۴- تفسیر المیزان فارسی جلد ۱ صفحه ۳۷۵ حدیث ۲۷۲.
- ۵- نوشته استاد علامه طباطبائی.
- ۶- (وجعلناهم ائمة یهدون بامرنا و لو حیننا الیهم فعل الخیرات) «سورة انبیاء آیه ۷۳: ما آنها را امام قرار دادیم که به وسیله امر ما مردم را هدایت کنند و انجام کارهای نیک را به آنها وحی کردیم».
- ۷- (وجعلنا منهم ائمة یهدون بامرنا لما صبروا) «سورة سجد آیه ۲۴: ما بعضی از آنها را امام قرار دادیم تا مردم را به وسیله امر ما هدایت کنند، زیرا آنان صبر کردند».
- ۷- شیعه در اسلام صفحه ۲۵۳، ۲۶.
- ۸- نگاه کنید به بحار الانوار جلد ۲۷ صفحه ۱۶۶ تا ۲۰۷ باب «انه لا تقبل العمل الا بالولاية».
- ۹- میزان الحکمه جلد ۲ صفحه ۱۶۲.
- ۱۰- من لایحضره الفقیه جلد ۱ ص ۱۲۱.
- ۱۱- وسائل الشیعه جلد ۱۱ ص ۳۹۱.
- ۱۲- بحار الانوار جلد ۲۳ ص ۳۳۹.
- ۱۳- اصول الکافی جلد ۱ صفحه ۱۹۸ بخشی از حدیث سؤم باب «ان الائمة هم ارکان الارض».
- ۱۴- اصول الکافی جلد ۱ صفحه ۱۷۹ حدیث دوازدهم باب «ان الارض لا تخلوا من الحجة».
- ۱۵- اصول الکافی جلد ۱ صفحه ۱۷۹ حدیث سیزدهم.
- ۱۶- بحار الانوار جلد ۷۵ صفحه ۱۵۲.

■ وزارت خارجه آمریکا اعلام کرده، آمریکا و عراق در مورد مذاکرات دوجانبه و مستقیم به توافق رسیدند.

(۶۹/۹/۱۳)  
■ ژنرال «حسین محمد ارشاد» رئیس جمهور بنگلادش استعفا کرد.

■ «ادریس دبی» بعنوان رئیس جمهور چاد انتخاب شد.

■ وزیر دفاع فرانسه: ایران تنها کشور دارای شرایط برای رهبری خاورمیانه است.

(۶۹/۹/۱۴)

### ضد انقلاب

■ نماینده ایران خودرو در کرمان به جرم فروش آزاد قطعات پدکی ۴۵۰ میلیون ریال جریمه شد.

(۶۹/۸/۱۷)

■ یک شبکه جاسوسی برای آمریکا، یک باند متکراتی و بزرگترین گروه ارتش در شهرداری تهران که تاکنون به دریافت سه میلیارد و پانصد میلیون ریال و همچنین ۱۸۵۰ عدد سکه بهار آزادی از مردم اعتراف نموده منهدم

شد.

(۶۹/۸/۲۳)

■ اعضای یک تیم تروریستی حزب منحل کردستان در سنندج دستگیر شدند.

■ محموله بزرگ کالای قاچاق به ارزش یک میلیون ریال در چابهار کشف شد.

(۶۹/۸/۲۹)

■ باند بزرگ اشرار و قاچاقچیان مسلح «عباس نارونی» که تاکنون در به شهادت رساندن ۶۴ تن از نیروهای جانشین برکف نظامی و انتظامی شرکت داشتند در ارتعاشات سیرجان متلاشی شد و ۸ تن از اعضای باند بهلاکت رسیدند.

(۶۹/۹/۱)

■ قاچاقچیان اشیاء عتیقه، جنازه پسر زنی متعلق به یک هزار و صدسال پیش را از بقعه شهدای «فهرج» به خارج کرده بودند که کاملاً سالم مانده است و قصد داشتند آن را به قیمت ۷۰ میلیون تومان بفروش برسانند.

(۶۹/۹/۱۴)

### فرم تقاضای اشتراک



خواهشمند است وجه اشتراک مجله پاسدار اسلام را به حساب جاری ۶۰۰ بانک ملت قم- شعبه آموزش و پرورش حواله و فیش بانکی را همراه آدرس و مشخصات کامل خود به دفتر مجله پاسدار اسلام (قم- صندوق پستی ۷۷۷) ارسال فرمائید. تذکر: ۱- بهای اشتراک یک سال ۲۴۰۰ ریال، دوسال ۴۸۰۰ ریال است. ۲- وجه اشتراک را می توانید از طریق تمام بانکهای کشور (بو بوزه بانک ملت) به حساب جاری فوق حواله نمائید. ۳- در صورتیکه به بانک دسترسی نداشتید وجه اشتراک را توسط اداره پست به صورت بیمه پستی ارسال فرمائید. ۴- احتیاج به بریدن این فرم نیست و کافی است مشخصات خود را بشرح زیر در نامه ای جداگانه نوشته و ارسال نمائید. ۵- در صورت واریز وجه به بانک، حتماً فیش بانکی ارسال شود.

اینجاب	نام خانوادگی	عالم به مدت	سال از شماره
شهرستان	آدرس	مشترک شوم لذا مبلغ	ریال توسط بانک
عالم به مدت	سال از شماره	مشترک شوم لذا مبلغ	ریال توسط بانک

حساب جاری فوق حواله و فیش بانکی را به پیوست ارسال می دارم. «لطفاً در موقع تعدید و تغییر آدرس شماره اشتراک را قید فرمائید»